

نقد پسااستعماری تصاویر تولید شده توسط هوش مصنوعی به مثابه رسانه مطالعه موردی: استیبل دیفیوژن نسخه SDXL

سید علی ایجادی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

این تکنولوژی، به داده‌های تاریخی فرهنگی و اجتماعی‌ای متکی است که خود محصول گفت‌وگوهای سلطه و استعمار هستند. اکنون دیگر مسئله این نیست که هوش مصنوعی تولید تصویر می‌کند؛ بلکه چگونه تصویری تولید می‌کند؟ به نفع چه روایت‌هایی؟ به زبان چه فرهنگ‌ها، چهره‌ها و هویت‌هایی؟ چگونه هوش مصنوعی، حتی در مدرن‌ترین شکل خود، همچنان در بازتولید الگوهای کهنه قدرت و بازنمایی گرفتار است؟ بخش وسیعی از داده‌هایی که این مدل‌ها بر پایه آنها آموزش دیده‌اند، از رسانه‌هایی استخراج شده‌اند که خود تحت سلطه نگاه غربی قرار دارند. به همین دلیل، مسئله صرفاً تولید تصویر نیست، بلکه تولید معناست. معنایی که با قدرت گره خورده و ساختارهای سلطه را در قالبی نو بازتولید می‌کند. در اینجا، نقد پسااستعماری^۴ نه فقط به عنوان رویکردی نظری، بلکه به مثابه ابزاری تحلیلی برای افشای این سازوکارها به کار می‌آید. رسانه هوش مصنوعی، آن گونه که وانمود می‌کند، تنها حامل پیام نیست؛ بلکه سازنده حقیقتی است که بر پایه قدرت شکل می‌گیرد.

در جهان دیجیتالی امروز، تولید تصویر دیگر به دست نقاشان و عکاسان محدود نمی‌شود، بلکه هوش مصنوعی^۱ نیز به تولیدکننده معنا و تصویر تبدیل شده است. اما این تولید تصویر، نه امری بی‌طرف، بلکه ادامه یک گفت‌وگو^۲ تاریخی و سلطه‌محور است. مدل‌های تولید تصویر، اغلب با مجموعه داده‌هایی آموزش دیده‌اند که به شدت از هژمونی^۳ فرهنگی غرب تأثیر گرفته‌اند. نتیجه این امر، بازتولید تصویری از دیگری است که نه بر اساس خودآگاهی و تنوع فرهنگی، بلکه بر پایه ادراک غربی از شرق و جهان شکل گرفته است. از سال ۲۰۲۲ تا به امروز، هوش مصنوعی‌های تولید تصویر از متن، تکنولوژی صنعت تصویرسازی و جهان را دگرگون کرده‌اند. هوش مصنوعی‌های تصویرساز بر اساس داده‌های رسانه‌ای و اینترنتی تغذیه شده‌اند؛ تصویری که هوش مصنوعی می‌سازد، بیش از آنکه بازتاب واقعیت باشد پژوهشی از تاریخ بصری سلطه و قدرت است. این ابزارها، با کمترین موانع دسترسی امکان تولید تصویر را فراهم آورده‌اند. تصاویری که نه خنثی هستند، نه تصادفی.

سعید نشان می‌دهد که چگونه غرب، با استفاده از کلیشه‌ها و تحریف‌ها، تصویری غیرانسانی از شرق و اسلام ارائه داده است. او تأکید دارد که این گفتمان بیش از آنکه بازتابی از واقعیت باشد، سازه‌ای سیاسی و ایدئولوژیک است که با انگیزش‌های قدرت در پی تسلط بر شرق شکل گرفته است. سعید در آثارش از جمله فرهنگ و امپریالیسم، مفهوم شرق‌شناسی را به سایر گفتمان‌های مرتبط با آفریقا، هند و خاور دور بسط می‌دهد و نشان می‌دهد که این گفتمان‌ها بخشی از نظام جهانی سلطه فرهنگی هستند. او به نقش رسانه‌ها در بازنمایی منفی از اسلام و اعراب اشاره می‌کند و تأکید دارد که این تصاویر ساختگی ابزار توجیه سلطه‌گری غرب بر شرق هستند (انصاری، ۱۳۹۸: ۵۳۷-۵۴۳). به‌عنوان همسایه‌ای تاریخی، خاستگاه تمدن‌ها، مستعمرات کهن و رقیب فرهنگی، مشرق زمین در ذهن اروپاییان، نمادی از دیگری بوده و از طریق گفتمان‌ها، نظریه‌ها، و نهادهای استعماری بازنمایی شده است. این مفهوم نه صرفاً تخیلی، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و تمدن مادی اروپا است (سعید، ۱۳۸۶: ۲۰). در مطالعات فرهنگی، نظریه استعماری می‌تواند در پژوهش‌های تطبیقی هنر، به‌ویژه درباره هنرهای غیرغربی، مفید باشد. این رویکرد با نقد ساختارها و ایدئولوژی‌های شرق‌شناسانه رایج در تحلیل‌های غربی، تلاش می‌کند تا ارزش‌ها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی هنر غیرغربی را که اغلب نادیده گرفته شده‌اند، به دقت بررسی کند و از تفسیرهای نادرست تاریخی و حاشیه نشینی این هنرها جلوگیری نماید (صباغیان، ۱۴۰۰: ۳۰). سعید هشدار می‌دهد که گفتمان‌هایی مثل شرق‌شناسی یا ایدئولوژی‌های نژادی و امپریالیستی به‌سادگی ساخته، به‌کار برده و محافظت می‌شوند. این ساختارها دستبندهایی هستند که مانع فهم واقعی جوامع و فرهنگ‌ها می‌شوند (Gandhi, 2018: 77). در این میان، هالیوود، شبکه‌های خبری بین‌المللی، تبلیغات و حتی الگوریتم‌های پلتفرم‌های دیجیتال و حال، هوش مصنوعی به ابزارهایی برای بازتولید استعمار بدل شده‌اند. نمونه این مسأله، بازنمایی خاورمیانه در سینمای غربی است؛ جایی که به‌مثابه سرزمین خشونت و ترور به تصویر کشیده می‌شود یا در قالب یک فضای رازآلود و بی‌زمان که نیازمند نظم و پیشرفت غربی است. از سوی دیگر، رسانه‌های خبری در بحران‌های جهانی، روایت‌ها را از چشم قدرت‌های مسلط بیان می‌کنند، به‌گونه‌ای که فجایع در غرب، تراژدی‌های انسانی جلوه می‌کنند، اما همان وقایع در جهان غیرغربی تنها به‌عنوان آمار و ارقام مطرح می‌شوند. گفتمان استعمار حتی پس از پایان رسمی استعمار، همچنان در تار و پود سیاست، اقتصاد، فرهنگ و رسانه حضور دارد. این گفتمان خود را از طریق الگوهای بازنمایی، سیاست‌گذاری‌های

در دوران استعمار، رسانه‌ها نه فقط ابزار ارتباط، بلکه میدان‌های نبرد معنا بودند؛ جایی که دیگری استعمار شده، در قالبی بازنمایی می‌شد که همواره نیازمند هدایت، رام‌سازی یا حذف بود. حال، در جهان به‌ظاهر پسااستعمار این گفتمان‌های سلطه‌نهنها محو نشده‌اند، بلکه در قالب‌های نوین از طریق رسانه‌های دیجیتال، سینما، اخبار تبلیغات و حتی هوش مصنوعی، بازتولید و نهادینه شده‌اند. در بستر نقد پسااستعماری رسانه، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چگونه هوش مصنوعی، چه به صورت آگاهانه و چه ناخودآگاه، در بازتولید ساختارهای قدرت و تثبیت کلیشه‌های استعماری مشارکت می‌کند و چرا در تصاویر تولید شده توسط این فناوری، همچنان بازنمایی‌هایی تکرارشونده از جوامع غیرغربی به‌عنوان دیگری فرودست بدوی، خشونت‌آمیز، غیرعقلانی یا نیازمند نجات به چشم می‌خورد؟ با نقد پسااستعماری، به این فرآیندها پرداخته می‌شود و نشان داده می‌شود که چگونه رسانه هوش مصنوعی در پیوستاری تاریخی، همچنان میدان جنگی برای تثبیت قدرت است.

۱- اشکال نوین استعمار، رسانه، جهانی‌سازی و تحلیل پسااستعماری

اگر در دوران کلاسیک استعمار، سرزمین‌ها و بدن‌ها مورد تملک قرار می‌گرفتند، در استعمار نو، آنچه تصرف می‌شود ذهن، تخیل و بازنمایی است. رسانه‌ها نه فقط واسطه انتقال اطلاعات، بلکه سلاح‌هایی برای استعمار فرهنگی و اقتصادی هستند. با ظهور جهانی‌سازی^۵، به‌عنوان فرایندی که مرزهای جغرافیایی و سیاسی را کم‌رنگ کرده و نوعی یکپارچگی ساختاری و فرهنگی پدید آورده است، دیگر استعمار به شیوه قدیمی خود باز نمی‌گردد؛ بلکه در قالب تسلط گفتمانی هژمونی فرهنگی و استانداردهای زیبایی‌شناختی و فکری غربی تداوم می‌یابد. نظریه پسااستعماری، با نگاه انتقادی به تاریخ و فرهنگ استعمار، سعی در به‌چالش کشیدن گفتمان‌های قدرت و بازنگری در روایت‌های مدرنیته و پیشرفت دارد. این نظریه ابزارهایی را برای درک بهتر فرهنگ‌های ترکیبی و مقاومت‌های هویتی در جهان پس از استعمار ارائه می‌دهد (برتس، ۱۳۹۱: ۲۳۱).

از منظر ادوارد سعید، شرق‌شناسی^۶ مجموعه‌ای از دیدگاه‌های خاص و گاه جهت‌دار درباره شرق است که به‌نوعی بازتاب سلطه فکری و فرهنگی غرب بر شرق محسوب می‌شود. این حوزه با تولید دانش درباره شرق، آن را به نحوی شکل داده که با انتظارات و نگاه غربی هم‌خوانی داشته باشد. به‌همین دلیل، شرق در قالبی بازنمایی می‌شود که توسط دانش غربی تنظیم و هدایت شده است (سعید، ۱۳۸۶: ۲۹۷). او استدلال می‌کند که مفهوم شرق در واقع ساخته و پرداخته غرب است و گفتمان شرق‌شناسی ابزار سلطه و توجیه استعماری بر مردمان شرقی بوده است.

نقد پسااستعماری تصاویر تولید شده توسط هوش مصنوعی به مثابه رسانه

و واقعیت را مطابق با منافع گفتمانی و اقتصادی بازتولید می‌کنند.
۲- مصادیق نقد پسااستعماری در تصاویر ساخته شده توسط هوش مصنوعی

استیبل دیفیوژن^۷ یکی از شاخص‌ترین مدل‌های تصویرساز است و مدل‌های مشابه، در بازنمایی چهره‌ها و هویت‌های غیرغربی، همواره گرفتار الگوهای مسلط‌اند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حتی دستورات متنی بهینه شده نیز قادر به حذف این تعصبات نیستند (Bianchi, 2023: 13). چرا که تصویر، بیش از آنکه محصول متن باشد، فرآورده‌ای از تاریخ بصری سلطه است. چهره‌هایی که بیش از آنکه روایتگر واقعیت باشند، نسخه‌ای بازتولید شده از ایده‌های کلیشه‌ای غربی‌اند. از این‌رو، این مدل‌ها، نه صرفاً ابزارهای تکنولوژیک، بلکه ادامه همان نگاه شرق‌شناسانه و نژادپرستانه‌ای هستند که قرن‌ها در رسانه‌های تصویری بازتولید شده است. در این نقد تصاویر با مدل خام و دست‌کاری نشده استیبل دیفیوژن با ورژن sd_xl_base_1.0 ساخته شده و انتخاب تصاویر به صورت تصادفی بوده همچنین در استایل و سبک آثار دست‌کاری یا کلید واژه اضافه‌ای وارد نشده است. تصاویر فقط حاصل واژه‌هایی است که برای هرکدام از آنها ذکر شده، بدیهی است که اگر واژگان دقیق‌تر و کامل‌تری نوشته شود تصویری که مورد نظر است از هوش مصنوعی گرفته می‌شود. هدف این تحلیل، نقد تصاویر ساخته شده توسط این هوش مصنوعی به مثابه یک رسانه و نحوه بازتولید کلیشه‌های استعماری توسط آن است.

۲-۱ کلیشه‌های فرهنگی و دیگری جنسی شده؛ بازتولید استعمار بدن در تصاویر هوش مصنوعی

نقش‌های جنسیتی نیز همچنان در چهارچوب‌های سنتی بازتولید می‌شوند، تصاویر مربوط به خانه و امور خانوادگی، زنان را به تصویر می‌کشد، در حالی که نقش‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری بیشتر به مردان اختصاص دارد. این الگوریتم‌ها نه تنها بر اساس داده‌های تاریخی عمل می‌کنند، بلکه تصویری از جهان ارائه می‌دهند که بازتابی از روابط قدرت موجود در آن است. به بیان دیگر، هوش مصنوعی آینده را نمی‌سازد، بلکه گذشته را تکرار می‌کند، آن هم گذشته‌ای که غرب و مردسالاری در آن مرکز است. این مدل‌ها نقش زنان را بیشتر خانگی و مردان را بیشتر در موقعیت‌های رهبری نشان داده، که نشان می‌دهد تصاویر ساخته این هوش مصنوعی تصویرساز^۸ گاه تعصبات نژادی و جنسیتی داشته است (Anand, 2023: 12). تصاویر ساخته شده توسط این هوش مصنوعی، نه تنها جوامع را در چهارچوب‌های نابرابر قرار می‌دهد، بلکه بدن‌ها را نیز استعمار می‌کند. این نوع تصویرسازی، دقیقاً ادامه همان سنت شرق‌شناسانه‌ای است که در قرن نوزدهم، زنان جوامع غیرغربی را به عنوان ابژه‌های میل و فانتزی‌های اروپایی بازنمایی می‌کرد.

اقتصادی و نهادهای بین‌المللی تداوم می‌بخشد. بانک جهانی صندوق بین‌المللی پول و سازمان‌های توسعه‌ای غربی، گرچه در ظاهر به نام کمک به توسعه جوامع غیرغربی عمل می‌کنند اما در ساختار خود همچنان منطق سلطه را بازتولید می‌کنند. در نقد پسااستعماری، گفتمان و قدرت ابزارهایی کلیدی‌اند که از طریق آنها معنا، هویت و سلطه بازتولید و تثبیت می‌شوند. نقد پسااستعماری صرفاً یک چارچوب نظری نیست، بلکه شکلی از مقاومت در برابر سلطه تصویری است که واقعیت را تحریف می‌کند و از طریق رسانه به بازتولید قدرت می‌پردازد. تصویر ساخته هوش مصنوعی میدان بی‌طرفی نیست، بلکه عرصه‌ای برای بازگشت استعمار در قالب‌های جدید است. قدرت فرایندی بنیادی در جامعه می‌داند که از طریق نهادها، گفتمان‌ها و کنشگران، به شکل‌دهی معانی و منافع می‌پردازد (Castells, 2013: 10). در زمینه هوش مصنوعی، این بدان معناست که مدل‌های تولید تصویر، به مثابه کنشگرانی جدید، حامل و بازتابنده همان ساختارهای قدرت نهادینه شده هستند. با بازخوانی فوکو قدرت را شبکه‌ای از روابط می‌بیند که نه فقط محدود کننده بلکه تولید کننده گفتار و رفتار است (Mills, 2004: 14). بنابراین، تصاویر تولید شده توسط هوش مصنوعی نه صرفاً بازنمایی منفعل، بلکه کنش‌هایی فعال در تولید معانی مسلط هستند. گفتمان‌ها ساختارمند بوده و در تولید دانش، قدرت و بازنمایی نقش دارند (Hall, 1997: 201). تصاویر تولید شده با مدل‌های هوش مصنوعی، در همین ساختارهای گفتمانی قرار می‌گیرند و کلیشه‌های فرهنگی را نه تنها حفظ، بلکه تقویت می‌کنند. در نهایت، هوش مصنوعی و رسانه‌های دیجیتال، استعمار فرهنگی را از طریق الگوریتم‌هایی که بر داده‌های دارای سوگیری آموزش دیده‌اند، تشدید می‌کنند. این تصاویر، بازتولید همان دیگری‌سازی هستند که قرن‌ها از طریق رسانه‌های سنتی صورت می‌گرفت اما این بار در مقیاسی جهانی‌تر و سرعتی بالاتر. در دنیای امروز علم و تکنولوژی به هم می‌آمیزند و حقیقت علمی به عنوان تنها شکل شناخت، جایگزین حقایق سنتی می‌شود. در این فرآیند، شوق معرفتی، محدود به موضوعات متناهی شده و از شناخت کل ناتوان می‌ماند، در نتیجه جهان به منبع لذت یا ابزاری برای ایمنی تقلیل می‌یابد. تکنولوژی صرفاً یک ابزار نیست، بلکه نظامی خودپسند با خصلتی اهریمنی است که تابع منافع اقتصادی و قدرت‌نخبگان تکنوکرات است. نیازهای مصنوعی، ساخته شده توسط تکنولوژی، به ذهن انسان تزریق شده و به نیازهای واقعی تبدیل می‌شوند، در حالی که رسانه‌ها این فرآیند را تقویت می‌کنند (وتشتاین، ۱۳۷۳: ۱۰۴). در این چارچوب، تصاویر ساخته شده توسط هوش مصنوعی نیز صرفاً بازنمایی‌های بی‌طرف نیستند، بلکه محصول نظام تکنولوژیکی‌ای هستند که نیازها، زیبایی‌شناسی

در تصاویری که از «هندها» ساخته می‌شود، اغلب ساری‌های سنتی و فیل‌ها دیده می‌شوند، نه شهرهای مدرن یا تکنولوژی معاصر هند. در بازنمایی‌های آفریقا، تصاویر بیشتر حول قبایل بومی، زمین‌های خشک و حیات وحش می‌چرخند، در حالی که زندگی شهری و مراکز علمی و فناوری این قاره تقریباً نادیده گرفته می‌شوند. همچنین جغرافیای تاریخی و فرهنگی تمدنی خاورمیانه را در بیابان خشک، شتر و ... کلیشه‌سازی می‌کند. تصویر ۲ در مقایسه تصاویر با متن (زن موفق) و (زن فقیر) زنان موفق را بیشتر سفید پوست غربی به نمایش می‌گذارد، و زنان فقیر را بیشتر جهان سومی.



تصویر ۲: یک زن موفق (A Successful Woman) (بالا)، یک زن فقیر (A Poor Woman) (پایین) - ساخته شده با هوش مصنوعی مدل sdx1 v1.

در تصاویر با عناوین شغلی مثل پزشک، خلبان و غیره افراد سفید پوست، بیش از حد در تصاویر حضور دارند، در حالی که جوامع غیرغربی یا حذف شده‌اند یا تنها در قالب‌های کلیشه‌ای ظاهر می‌شوند. درخواست خانواده خوشبخت) در تصویر ۳، اغلب تصویری

در تصاویر ساخته شده هوش مصنوعی مذکور، بدن زنان نه در مقام یک سوژه تاریخی، بلکه در قالب یک کالای بصری برای نگاه زن ستیزانه بازتولید می‌شود. این بازنمایی‌ها، چیزی فراتر از یک نقص تکنیکی هستند؛ آنها امتداد همان الگوهای دیرینه استعمار بدن و دیگری‌سازی هستند که از دوره استعمار کلاسیک تا به امروز، به اشکال مختلف ساختاری بازتولید شده‌اند و می‌تواند آسیب‌های فرهنگی داشته باشد.



تصویر ۱: خاورمیانه (Middle East) (بالا) زن مصری (Egyptian Woman) (پایین) - ساخته شده با هوش مصنوعی مدل sdx1 v1.

در تصاویری که مربوط به (زنان مصری) است، زنان معمولاً در نقش‌هایی وابسته به مصر باستان بازنمایی می‌شوند. در حالی که زنان مصر امروز در حوزه‌های مختلف سیاسی، علمی و اجتماعی فعال‌اند، اما هوش مصنوعی آنها را در چارچوبی تاریخی و ایستا قفل می‌کند.

نقد پسااستعماری تصاویر تولید شده توسط هوش مصنوعی به مثابه رسانه

هوش مصنوعی، خشونت را به جوامع غیرغربی گره می‌زند. برای مثال: تصاویر مرتبط با جنگ و شورش، بیشتر به مناطق خاورمیانه و آفریقا نسبت داده می‌شوند. تصاویر مربوط به تکنولوژی، علوم یا نوآوری اغلب شامل چهره‌های غربی و فضاهای مدرن غربی است. این نشان می‌دهد که مدل‌های هوش مصنوعی نه فقط ابزارهایی برای تولید تصویر، بلکه امتداد سیاست‌های گفتمانی هستند که جهان را از منظر یک قدرت خاص بازنمایی می‌کنند، همچنین با کلیدواژه یک تروریست، در تصویر ۵ چهره‌های خاورمیانه‌ای به نمایش گذاشته می‌شود. یکی از تکنیک‌های کلیدی گفتمان استعماری قفل کردن جوامع غیرغربی در گذشته است. این تکنیک در تولیدات هوش مصنوعی نیز ادامه یافته است. اگر از مدل‌های هوش مصنوعی خواسته شود تصویری از یک فرد جذاب تولید کنند، خروجی‌ها در اغلب موارد چهره‌های سفیدپوست، با ویژگی‌های ظاهری مطابق استانداردهای زیبایی اروپایی و آمریکایی را نمایش می‌دهند یعنی به نوعی بازتولید یک زیبایی‌شناسی استعماری و استانداردهای سفیدپوستان غربی است.



تصویر ۴: یک دانشمند (A Scientist) - ساخته شده با هوش مصنوعی مدل sdxl v1.

به نوعی با وجود مرکزیت یافتگی غرب، آنچه هوش مصنوعی تولید می‌کند، صرفاً یک خروجی دیجیتال نیست بلکه امتداد تاریخ استعمار در جهان تصویر است. این مدل‌ها، آن‌گونه که ادعا می‌شود جهان را همان‌طور که هست بازنمایی نمی‌کنند، بلکه جهانی را می‌سازند که در آن غرب در مرکز و دیگری در حاشیه است. در جهان معاصر استعمار دیگر در هیئت لشکرکشی‌ها و تصرف سرزمین‌ها ظاهر نمی‌شود، بلکه در لایه‌های نرم قدرت، در رسانه‌ها در زبان و امروز در الگوریتم‌های هوش مصنوعی پنهان شده است. اگر استعمار کلاسیک، جغرافیا را به تسخیر خود درآورده بود، استعمار دیجیتال تصویر و هویت را به اشغال خود درآورده است. بازنمایی که این هوش مصنوعی انجام می‌دهد

مطابق با استانداردهای زیبایی اروپایی تولید می‌کند. در خواست پدیدآوردن یک دانشمند (تصویر ۴) بیشتر چهره‌ای سفیدپوست را نشان می‌دهد، در عین حال که دانشمندان سایر جهان را نادیده می‌گیرد. همچنین نگاه مردسالاری و غیبت زنان در این زمینه را بازتولید می‌کند. این نه یک تصادف، بلکه تداوم همان سیاست‌های قدرت است که قرن‌ها هویت‌ها را شکل داده‌اند. هوش مصنوعی؛ آینده‌ای که گذشته را تکرار می‌کند.



تصویر ۳: یک خانواده شاد (A Happy Family) (بالا)، یک خانواده فقیر (A Poor Family) (پایین) - ساخته شده با هوش مصنوعی مدل sdxl v1.

۲-۲ دشمن‌سازی در تصویر و خشونت نمادین؛ بازتولید

هوش مصنوعی می‌تواند بازتولید کلیشه‌های مرتبط با خشونت و تهدید باشد. اگر از این مدل‌ها درخواست شود که تصویری از یک تروریست تولید کنند در اغلب موارد چهره‌هایی خاورمیانه‌ای با پوست تیره، موهای مشکی و ریش بلند ظاهر می‌شود. این نشان می‌دهد که حتی هوش مصنوعی نیز به روایت‌های رسانه‌ای و سیاسی غربی از تهدید و خشونت متکی هستند. بسیاری از داده‌های

نتیجه‌گیری

تصاویر ساخته شده توسط هوش مصنوعی، جهان را نه آنگونه که هست، بلکه آنگونه که غرب می‌خواهد ببیند، بازتولید می‌کنند. جوامعی که درگیر بحران‌های سیاسی اقتصادی یا اجتماعی هستند، اغلب نه در پیچیدگی‌های تاریخی و ساختاری خود، بلکه در تصویری ساده شده از آشوب، فقر و خشونت بازنمایی می‌شوند. این الگو، دقیقاً همان سیاست رسانه‌های استعماری در قرن بیستم را ادامه می‌دهد: تصویری از جهان که در آن غرب نماد نظم، توسعه و اخلاق است و دیگری غیرغربی، مترادف با بی‌ثباتی، فساد و ویرانی. هوش مصنوعی در تولید تصویر، نه یک ابزار بی‌طرف بلکه امتداد گفتمان‌های سلطه و استعمار بصری است. مدل‌های تصویری مبتنی بر داده‌هایی آموزش دیده‌اند که به شدت از هژمونی فرهنگی غرب تأثیر گرفته‌اند. در نتیجه کلیشه‌های نژادی، جنسیتی و فرهنگی را بازتولید می‌کنند. این تکنولوژی، جوامع غیرغربی را در نقش‌های تاریخی، ایستا و اغلب تحقیرآمیز بازنمایی کرده و آنها را از پیشرفت و پویایی معاصر محروم می‌سازد. در این استعمار دیجیتال، هوش مصنوعی، تصویر و هویت را تصرف کرده و تصویری از جهان می‌سازد که در آن غرب در مرکز و دیگری در حاشیه است. این وضعیت مثل تئوری‌های توطئه نیست که بخواهیم هوش مصنوعی را متهم کنیم به اینکه ذات بد و خبیثی دارد بلکه هدف یک تحلیل ساختاری و نشان دادن ابعاد این رسانه و روابط آن با قدرت در تداوم استعمار و کلیشه‌سازی و دیگری سازی است. می‌توان گفت در حال حاضر هوش مصنوعی بر خلاف تئوری‌های ژورنالیستی بیشتر یک تکسین است و دقیقاً مثل تکنوکرات‌ها بدون خیال و خلاقیت و دقیقاً مثل انسان‌های ایدئولوژیک در بازتولید کلیشه‌ها عمل می‌کند و رسانه و قدرت در شکل‌گیری جهان‌بینی آن تأثیر بسزایی دارد، اما این وضعیت، قابل تغییر است. برای مقابله با این بازنمایی‌ها اما این وضعیت، قابل تغییر است. برای مقابله با این بازنمایی‌ها باید مدل‌هایی از هوش مصنوعی ساخته شود که شامل تنوع‌بخشی به داده‌های آموزشی و حذف جانبداری‌های نژادی و فرهنگی و سیاسی، طراحی الگوریتم‌های آگاه به گفتمان‌های نژادی، جنسیتی و استعماری که بتواند خود را از تعصبات تاریخی رها کند. با تحلیل انتقادی تصاویر تولید شده و افشای تعصبات و کلیشه‌های نهفته در آن باید آگاه‌سازی شود. در غیر این صورت، استعمار به شکلی دیگر ادامه دارد؛ نه در سرزمین‌ها، بلکه در جهان تصویر.

پی‌نوشت

1. Artificial Intelligence (AI)
2. Discourse
3. Hegemony
4. Postcolonial
5. Globalization
6. Orientalism

نه تصویری خنثی از جهان بلکه امتدادی از گفتمان قدرت محور و نابرابر است که جوامع غیرغربی را در چارچوب‌هایی تحقیرآمیز و کلیشه‌ای گرفتار می‌کنند (تصویر ۶).



تصویر ۵: یک تروریست (A Terrorist) - ساخته شده با هوش مصنوعی مدل v1 sdxl.



تصویر ۶: نمای نزدیک از یک انسان در یک جامعه آینده نگر (a human closeup in a futuristic civilization) (بالا)، نمای نزدیک از یک انسان در یک جامعه توسعه نیافته (a human closeup in a underdeveloped society) (پایین) - ساخته شده با هوش مصنوعی مدل v1 sdxl.

نقد پسااستعماری تصاویر تولید شده توسط هوش مصنوعی به مثابه رسانه

7. Stable diffusion

8. Text to image. AI image generator:

هوش مصنوعی‌هایی که بر اساس دستورات متنی تصویر تولید می‌کنند.

9. Technocrats

فهرست منابع

منابع فارسی

کتاب‌ها

انصاری، مهدی (۱۳۹۸). *هنر از دریچه نظریه*، انتشارات روزبهان.
 برتنس، یوهانس ویلم (۱۳۹۱). *مبانی نظریه ادبی*، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. چاپ سوم، تهران: ماهی.
 سعید، ادوارد. (۱۳۸۶). *شرق‌شناسی*، مترجم: لطفعلی خنجی، امیرکبیر: تهران.

مقاله‌ها

جاوید صباغیان، مقداد، (۱۴۰۰)، «نظریه پسااستعماری به مثابه رویکردی برای مطالعات تطبیقی هنر» *هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)*، بهار ۱۴۰۰ - شماره ۸۵ صفحه ۲۵ - ۳۱.
 وتشتاین، آرنولد، (۱۳۷۳)، «الهیات در عصر فرهنگ تکنولوژیک» ترجمه: فرهادپور، مراد، *ارغنون بهار ۱۳۷۳* - شماره ۱ صفحه ۹۳ - ۱۱۸.

منابع انگلیسی

کتاب‌ها

Castells, M. (2013), **Communication power**, Oxford University Press, USA
 Gandhi, Leela, (2018), **Postcolonial theory: A critical introduction**, Columbia University Press, USA
 Hall, S. (Ed.), (1997), **Representation: Cultural representations and signifying**, SAGE Publications Inc, USA
 Mills, Sara. (2004). **Discourse** (2nd ed.), Routledge. practices. Sage Publications, Inc; Open University Press, USA

مقاله‌ها

Anand, T., Chauhan, A., Jauhari, T., Shah, A., Singh, R., Liang, B., & Dutta, R. (2023). «Identifying race and gender bias in latent diffusion AI image generation». *SSRN Electronic Journal*. 1-15
 Bianchi, F., Kalluri, P., Durmus, E., Ladhak, F., Cheng, M., Nozza, D., ... & Çalışkan, A. (2022). «Easily accessible text-to-image generation amplifies demographic stereotypes at large scale». *Accountability, and Transparency* Pages 1493-1504
 Ghosh, S., Lutz, N., & Caliskan, A. (2024). «I Don't See Myself Represented Here at All: User Experiences of Stable Diffusion Outputs Containing Representational Harms across Gender Identities and Nationalities». *AIES '24: Proceedings of the 2024 AAAI/ACM Conference on AI, Ethics, and Society* Pages: 463 - 475